

نگاه ارزشی به اهمیت کار، تلاش و اخلاق کار

فرشته محیطی

هر کاری علاوه بر این که باید کاری خوب و دارای حسن فعلی باشد، بایستی از نیتی خوب و پاک و با همان حسن فعلی نیز برخوردار باشد. اصولاً یکی از نشانه های ایمان کار و تلاش و حضور جدی در اجتماع دانسته شده و در سیره و گفتار امامان معصوم این موضوع مورد تاکید قرار گرفته است مقاله حاضر با نگاه ارزشی به اهمیت کار، تلاش و اخلاق کار در زندگی می پردازد.

اخلاق کار در زندگی

در بینش و نگرش اسلامی و قرآنی، کارها براساس نیت معنا و مفهوم می یابد. هر کاری به سبب نیت فاعل می تواند شکل مثبت و منفی و یا تقربی و ضدتقربی پیدا می کند. از این رو افزون بر حسن فعلی بر حسن فاعلی توجه داده شده است. حسن فعلی به این معناست که اصل کار می بایست نیک و پسندیده بوده و از کارهای ناپسند و بد در نگرش خرد و خردمندان و شریعت و متشرعان نباشد. اگر کارها از امور پسندیده و خوب و یا حتی مباح و مجاز باشد، با حسن فاعلی و نیت خیر موجبات تقرب بشر را فراهم می آورد. بر این اساس اگر اصل کار، ناهنجار و زشت و بد باشد، نمی توان با حسن فاعلی و نیت نیک آن را مثبت و ارزشی ساخت؛ هرچند که در صورت جهل و یا اشتباه در تطبیق به سبب حسن فاعلی می توان امید پاداش را داشت. اما اگر اصل کار، امری نیک و پسندیده از نظر عقل و عقلا و شرع باشد ولی از حسن فاعلی برخوردار نباشد، امید پاداش را نمی توان از چنین عملی داشت. از این جا دانسته می شود که حسن فاعلی و نیت خیر، از چه جایگاه و ارزشی عالی و متعالی برخوردار است و آثار آن در تغییر ماهیت یک کار تا چه اندازه ظهور و بروز می کند.

در روایات آمده است که نقش نیت خیر و حسن فاعلی در کاری بیش از اصل کار است؛ زیرا چنان که گفته شد کاری زشت و بد به سبب نیت خیر و حسن فاعلی، هر چند که تغییر ماهیت نمی‌دهد ولی بر آن آثار کار خوب مترتب می‌شود و شخص به سبب نیت خیر خویش از کار خویش بهره می‌برد؛ این در حالی است که کار خوب و پسندیده به سبب پندار بد کننده آن و نیت بد فاعل، نه تنها سودمند نیست بلکه آثار خوبی نیز بر آن مترتب نمی‌شود. این همان چیز است که گفته‌اند: نیه المومن خیر من عمله؛ نیت انسان مومن که نیتی پاک و پنداری نیک است بهتر از خود عمل وی می‌باشد؛ زیرا عمل وی می‌تواند نیک و مباح و حتی ناپسند و بد باشد ولی به سبب همان پندار نیک و برخورداری از حسن فاعلی، در هر حال بهتر است. به سخن دیگر، انسان مومن به سبب پندار نیک و حسن فاعلی در انجام کار نیک و پسندیده، کارش پسندیده تر از کار انسانی است که مومن به خدا و آخرت نیست و در کارش پندار نیکی چون تقرب و رضای الهی را در عمل خویش در نظر ندارد، و با این همه کاری نیک را انجام می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت که آن چه به کاری هر چند زشت و بد (در صورت جهل و یا اشتباه در تطبیق) معنا و مفهوم ارزشی می‌بخشد، پندار نیک و حسن فاعلی است و اگر کاری نیک را انسانی با پندار بد و زشت انجام دهد، از هیچ ارزش و اهمیتی برخوردار نخواهد شد.

در روایات اسلامی آمده است: انما الاعمال بالنیات؛ به درستی که معیار سنجش و داوری اعمال و کارها، نیت های آن است؛ به این معنا که هیچ کاری را نباید تنها براساس خوبی و بدی اصل کار داوری و ارزیابی کرد بلکه در سنجش و داوری می‌بایست به نیت و پندار کننده کار توجه کرد؛ پس اگر شخص کار کننده دارای نیت خیر و پنداری نیک باشد آن کار ارزش می‌یابد و گرنه اگر دارای نیت بد و یا پنداری زشت و پلید و بد باشد، آن کار هر چند که بهترین کار جهان باشد، بی ارزش است؛ از این رو خداوند به کسانی که به دیگران کمک های مالی و انفاق می‌کنند ولی این کارشان برخاسته از حسن فاعلی نیست و پنداری زشت و بد در پس آن وجود دارد، خواسته است که با این گونه نیت زشت، کار خویش را تباه و بی ارزش نسازند. کسی که در انجام کار نیک و بذل و بخشش هایش، قصد منت گذاری را دارد، در حقیقت با این نیت و فکر پلید خویش، ارزش کارش را نه تنها از میان می‌برد بلکه افزون بر از دست دادن مال، از آثار و

تبعات معنوی و اخروی و بلکه مادی و دنیوی آن محروم می‌شود. خداوند در آیه ۲۶۴ سوره بقره می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، صدقه های خود را با منت و آزار، باطل مکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مثل او همچون مثل سنگ خارایی است که بر روی آن، خاکی (نشسته) است و رگباری به آن رسیده و آن (سنگ) را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان (ریاکاران) نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره ای نمی‌برند و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند. در این آیه به خوبی هرگونه عملی هر چند بسیار نیک و پسندیده از دیدگاه عقل و عقلا و شریعت را به سبب فقدان پندار نیک و حسن فاعلی، عملی بی فایده می‌شمارد که از آن گیاهی نمی‌روید؛ زیرا خاکی که بر سنگ سخت است اگر باران بر آن ببارد آن را می‌شوید. دل هایی که از حسن فاعلی پندار نیک برخوردار نیستند، همانند این سنگ سخت است که با انفاق و کارهای نیک و پسندیده خاکی را برای رویش گیاه حق و حقیقت فراهم می‌آورد؛ ولی حتی اگر خداوند از باران رحمت خویش بر آن ببارد تا از این خاک جوانه ایمان و حقیقت سر برآورد، به سبب زمینه وبستر نامناسبی که خاک عمل خوب بر آن نشسته است، هیچ فایده ندارد و گیاه از آن نمی‌روید و آن باران نیز آن خاک را می‌شوید و می‌برد.

خداوند در آیاتی در همین سوره بیان می‌دارد: توصیف بخشش کسانی که داراییهای خود را در راه خدا

انفاق می‌کنند، بسان وصف دانه ای است که هفت خوشه رویانیده و در هر خوشه ای یکصد دانه است و خدا برای هر که بخوهد، آن را چند برابر می‌سازد و خدا گشاینده و دانا است. آنان که دارایی‌های خویش را در راه خدا انفاق می‌کنند، آنگاه از پی آنچه انفاق نموده‌اند، نه منتهی می‌گذارند و نه آزاری می‌رسانند، پاداششان نزد پروردگارشان محفوظ است؛ و آنان نه بیمی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند. گفتاری پسندیده در برابر تقاضای نیازمندان و گذشتی شایسته در مورد آنان، بهتر از صدقه ای است که آزاری در پی آن باشد و خدا بی‌نیاز و بردبار است. همان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخششهای خویش را با منت نهادن و آزار رسانیدن به بینوایان، تباه نسازید؛ درست بسان کسی که اموال خود را برای خودنمایی در برابر مردم، انفاق می‌کند و در دل نه به خدا ایمان دارد و نه به روز بازپسین، پس وصف او همچون وصف سنگ صافی است که بر آن خاکی نشسته است و رگباری به آن می‌رسد و آن را می‌شوید و آن سنگ را سخت و صاف و بدون شایستگی برای رویش دانه و گیاه وامی‌گذارد. آری؛ چنین کسانی در روز رستاخیز، برای بهره‌مندی از دستاورد خویش در مقابل انفاق خود، بر هیچ چیز توانایی ندارند و خدا گروه کفرگرایان را راه نمی‌نماید. و وصف آنان که ثروت‌هایشان را برای بدست آوردن خشنودی خدا انفاق می‌کنند و از درون خویش جان را با نیت پاکی که دارند، استواری می‌بخشند، بسان وصف باغی است در زمینی بلند و برآمده که رگباری به آن برسد و از هوای پاکیزه و نور خورشید به خوبی بهره‌برد و آنگاه میوه خود را دو چندان بدهد؛ اگر رگباری هم به آن نرسد، نم‌بارانی خواهد رسید و میوه ای بسیار و گوارا خواهد داد و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بینا است.

آیا هیچیک از شما دوست دارد باغی پرطراوت و سرسبز از خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن نهرها روان و از همه میوه‌ها در آن باشد و در همان شرایط، دوران پیری او فرا رسد و فرزندان ناتوان نیز داشته باشد؛ پس، به ناگاه گردبادی همراه با آتشی سوزان به آن باغ برخورد کند و آن باغ یکباره شعله‌ور شود و بسوزد؟! خداوند آیات خود را اینگونه برای شما روشن می‌سازد. باشد که بیندیشید. همان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از پاکیزه‌های آنچه به دست آورده‌اید و نیز از آنچه برایتان از زمین برآورده‌ایم، در راه خدا انفاق کنید و داراییهای کم ارزش و نامرغوبتان را که خود جز با چشمپوشی آن را نمی‌ستانید، برای بخشش در نظر بگیرید و بدانید که خدا بی‌نیاز و ستوده است. (بقره آیات ۲۶۲ تا ۲۶۷) در این آیات به خوبی و روشنی نقش نیت و پندار بیان شده است. آن چه به عمل ارزش و بها می‌بخشد حسن فاعلی و نیت نیک است هر چند که اصل کار امری معمولی و عادی و حتی زشت و بد باشد و شخص ناخواسته و یا براساس اشتباه در تطبیق، آن را انجام داده باشد. به این معنا که گمان می‌کرد که کار خوبی است ولی در حقیقت کار زشت و بدی بود که به نظرش کاری خوب آمده بود. خداوند در آیه ۱۰ سوره فاطر می‌فرماید: «سخنان پاکیزه و نیت نیک به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد. در حقیقت آن چه در کارها و اعمال مهم است نیت پاک و ایمان است.

کار نیک در کنار پندار نیک

اگر بخواهیم تفکر و بینش اسلامی را درباره کار و نقش آن در زندگی بیان کنیم باید بگوئیم که کار زمانی ارزش می‌یابد که افزون بر نیک بودن یعنی حسن فعلی دارای حسن فاعلی یعنی نیت پاک هم باشد. به سخن دیگر، هر کاری فی‌نفسه کار نیک شمرده نمی‌شود؛ بلکه تنها کارهایی نیک است که در مسیر کمالی خود و دیگران باشد و عقل و عقلا و شریعت آن را تایید و امضا کند. البته این به تنهایی نیز نمی‌تواند به کار نیک ارزش و اعتبار واقعی بخشد بلکه در کنار کار نیک می‌بایست صاحب اندیشه ای باشد که در مسیر تعالی و کمال خود و دیگران گام برمی‌دارد و هدف و مقصد وی از انجام کار نیک، دستیابی به کمال باشد.

از این رو عمل صالح در کنار نیت پاک است که ارزش و اعتبار واقعی می‌یابد. در آیات و روایات بسیاری بر دو جنبه حسن فعلی و حسن فاعلی کار بسیار تأکید شده است. آیات قرآن همواره در هنگام بیان عمل، آن را به صالح، مقید و متصف می‌سازد. از این رو در اشکال اسمی چون عمل صالح و یا فعلی چون یعملون الصالحات سخن به میان آمده است. افزون بر این از مردم خواسته شده است که این عمل صالح را با نیت و پندار دست یابی به کلمه طیب انجام دهند که در حقیقت بیانگر نقش حسن فاعلی و تأثیر مستقیم و اساسی آن در ارزش یابی عمل صالح است. در روایات اسلامی آمده که شخصی نزد یکی از معصومان (ع) می‌رود و از وضعیت روحی و افکار و نگرش خویش گلایه می‌کند. وی ابراز می‌کند که من بسیار علاقه مند به کار و تلاش و آبادانی هستم و بیشترین وقت خویش را به آن سپری می‌کنم. معصوم از وی می‌پرسد: به چه نیتی این کارها را انجام می‌دهی؟ وی پاسخ می‌دهد: برای این که توسعه در زندگی خویش بدهم و دستم به سوی دیگری دراز نشود و برای کمک به مستمندان و نیازمندان آن را هزینه کنم. امام (ع) کار وی را جهاد و عبادت می‌شمارد. به سخن دیگر آن چه به هر کاری بعد عبادی می‌بخشد، حسن فاعلی و پندار نیک و نیت خوب است. در آیات قرآنی یکی از اهداف آفرینش انسان و استقرار وی در زمین، کار و آبادسازی زمین دانسته شده است و خداوند می‌فرماید: هو انشأکم من الارض و استعمرکم فیها؛ او شما را از زمین پدید آورد و شما را در آن زندگانی داده و آباد کردن آن را از شما خواسته است. (هود آیه ۱۶)

کار، وظیفه اجتماعی

از نظر اسلام کار یک وظیفه و مسئولیت اجتماعی نیز می‌باشد؛ به این معنا که از نظر اسلام، هر انسانی موظف است تا کاری را انجام دهد حتی اگر نیاز شخصی به کار و یا درآمدهای آن نداشته باشد؛ زیرا انسان موجودی اجتماعی است و بی اجتماع و همکاری و تعاون نمی‌تواند زندگی کند. انسان افزون بر نیازهای عاطفی، نیازهای دیگری دارد که از راه کار و تعاون برآورده می‌شود. ما نمی‌توانیم به تنهایی همه نیازهای خویش را برآورده کنیم؛ از این رو وقتی به پیرامون خویش می‌نگریم انبوه چیزها را می‌بینیم که دیگران ساخته و تولید کرده و به ما داده و یا فروخته‌اند.

وظیفه انسانی ما به حکم هدف و فلسفه خلقت و آفرینش (هود آیه ۱۶) و اخلاقی ما می‌طلبد تا ما نیز به دیگران خدمتی نموده و نیازهای دیگران را برآورده کنیم. در اسلام، یکی از نشانه‌های ایمان و اسلام، کار کردن و حضور فعال در تمدن سازی است. اصولاً انسان عابد کسی است که نیازهای خویش را برآورده ساخته و به کمک و یاری دیگران نیز بشتابد. لذا از این روست کسانی که با نماز خواندن و عبادت‌های دیگر، کارهای خویش را بر دوش دیگران می‌افکنند، از نظر قرب و منزلت، کمتر و پایین تر از مردمی هستند که نیازهای خویش را با تلاش و کوشش خود برآورده می‌کنند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله؛ کسی که برای تامین مخارج خانواده‌اش تلاش می‌کند همانند کسی است که در راه خداوند جهاد می‌کند. (فروع کافی؛ کلینی، ج ۵، ص ۸۸ حدیث ۱) از امام رضا (ع) این معنا وارد شده است که تامین نیازهای خانواده برتر از جهاد دانسته شده است: الذی یطلب من فضل الله عز و جل ما یکف به عیاله اعظم اجرا من المجاهد فی سبیل الله عز و جل؛ کسی که به منظور تامین نیازمندی‌های خانواده‌اش در پی کسب روزی الهی است، پاداشی برتر از پاداش مجاهد در راه خداوند دارد. (همان ص ۸۷، حدیث ۵)

از امام باقر (ع) نیز روایت شده که: من طلب الرزق فی الدنيا استعفافا عن الناس و توسیعا علی اهله و تعطففا علی جاره لقی الله عزوجل یوم القیامه و وجهه مثل القمر لیله البدر؛ کسی که برای بی نیاز از مردم و رفاه

خانواده و کمک به همسایگانش در طلب روزی حلال باشد، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می کند که چهره اش مانند ماه شب چهارده می درخشد. (همان، حدیث ۵)

این نگرش موجب می شود تا نقش تمدن سازی کار و کارگر به خوبی روشن و تقویت شود بطوری که پیامبر (ص) پس از جهاد در راه خدا در هنگام بازگشت به مدینه در همان بدو ورود خویش دست کاری را می بوسد. در منابع تاریخی آمده است که پیامبر اکرم (ص) هنگام بازگشت از جنگ تبوک به مدینه، با سعد انصاری که به سببی مشروع نتوانسته بود در جنگ حضور یابد، رو به رو شد. وقتی پیامبر (ص) دستان خشک و خشن و ترکیده او را دید از او پرسید: صدمه ای به دستانت رسیده است؟ سعد در پاسخ گفت: برای تامین مخارج و هزینه های اهل و عیال با ریسمان و بیل کار می کنم. پیامبر (ص) بر دستان او بوسه زد و فرمود: این دستی است که در آتش دوزخ نمی سوزد. (اسد الغابه فی معرفه الصحابه؛ ابن اثیر؛ ج ۲؛ ص ۲۶۹)

ارزش کار از نگاه امامان معصوم

ارزش کار و اهمیت آن در تعالی و تکامل فردی و جمعی انسان و جامعه است که هرگونه بی کاری، عار و ننگ شمرده شده است و انسانهای بیکار ملعون دانسته شده اند. در روایتی از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: کسی که بار زندگی خویش را بر دوش مردم می افکند ملعون است. (بحارالانوار ج ۷۷ ص ۱۴۲ حدیث ۱)

امام باقر (ع) می فرماید: لآخر فی من لایحب جمع المال من حلال یکف به وجهه و یقضی به دینه و یصل به رحمه؛ کسی که دوست نمی دارد تا از راه حلال مالی را فراهم آورد که با آن آبروی خود را حفظ نماید و دینش را ادا کند و با کمک به خویشان صله رحم نماید، خیری در چنین فردی نیست. (فروع کافی ج ۵ ص ۲۷)

امام صادق (ع) در پاسخ به شخصی که پرسید که می خواهد در خانه اش بنشیند و به نماز و روزه و عبادت بپردازد و از تلاش برای کسب درآمد خودداری کند و معتقد است که به هر حال خداوند روزی او را به گونه ای تامین می کند فرمود: این شخص از کسانی است که دعای آنان اجابت نمی شود. (همان ج ۵ ص ۷۷)

امام باقر (ع) می فرماید: حضرت موسی (ع) از خداوند پرسید: خدایا! میغوض ترین بندگان در نزد تو کیست؟ خداوند در پاسخ فرمود: کسانی که شب را تا صبح همانند جسدی مرده می خوابند و روز خود را نیز به بطالت و بیکاری می گذرانند. (سفینه البحار؛ قمی؛ ج ۸؛ ص ۸۶۳)

سیره عملی معصومان (ع) این گونه بوده است و هیچ یک از امامان معصومان (ع) از کار فرار نمی کردند و همواره در تلاش و کوشش بوده اند به گونه ای برخی ها آنان را به این دلیل سرزنش و نکوهش می کردند (فروع کافی ج ۵ ص ۳۷ و ۴۷ و ۶۷)

کار، روشی برای مبارزه با نفس

بسیاری از مردم می کوشند تا به حکم تقوای الهی، نفس خویش را مهار کنند و اجازه ندهند تا بر ایشان مسلط شود. بسیاری از روش هایی که بیان شده به گونه ای مرتبط به کار است. در روایتی از امیرمؤمنان (ع) نقل شده که فرمود: النفس ان لم تشغله شغلک؛ اگر تو نفس خود را به کار مشغول نسازی او تو را مشغول خواهد کرد.

بنابراین برای این که نفس خویش را تربیت و پرورش دهی بهتر آن است که او را سرگرم کاری کنی. از این رو کسانی که بیکار هستند شیطان به سادگی بر ایشان مسلط می شود و آنان را به گمراهی و گناه و ناهنجاری سوق می دهد.

جوانان بیکار آمادگی بیشتری دارند تا در دام ناهنجاری و هواهای نفسانی بیفتند، از این رو بر والدین و مدیران سیاسی و اجتماعی جامعه است که کاری را برای آنان فراهم آورند و اجازه ندهند تا جوانان بیکار باشند. برای به دست آوردن جامعه سالم و ملت سالم نیاز است که جوانان به کار گرفته شوند و بیکار نمانند. کار موجب می‌شود تا شخصیت فرد سالم بماند و بلکه شخص احساس شخصیت کند.

کار در سیره پیامبر(ص)

پیامبر(ص) در طول زندگی سراسر نور و رحمت خود حتی یک روز را به بطالت نگذراندند. تمام امور شخصی و مربوط به خانه را شخصا انجام می‌دادند و همیشه این دعا و نیایش را می‌کردند؛ خدایا از بیکارگی و تنبلی و زبونی به تو پناه می‌برم. ایشان همیشه مسلمانان را به تلاش و کار ترغیب و تشویق نموده و برای کسب روزی حلال تاکید می‌کردند و می‌فرمودند؛ «خدا کارگر امین را دوست دارد. عبادت، هفتاد جز دارد که بهترین آن کسب روزی حلال است.» یکی از اصحاب پیامبر اعظم(ص) خیلی فقیر شده بود، تصمیم گرفت خدمت پیامبر برود و از آن حضرت کمک بگیرد اما قبل از بیان حاجتش رسول خدا(ص) فرمودند: «کسی که از ما چیزی بخواهد به او خواهیم داد اما اگر کسی بی نیازی بوزد و دست حاجت و نیاز پیش مردم دراز نکند، خداوند او را بی نیاز می‌کند.» او شرمند شد و خجالت کشید نیاز خود را مطرح کند، به خانه برگشت اما فقر مالی باعث شد دوباره خدمت آن حضرت برسد تا درخواست کمک نماید. ولی مجددا همان جمله را از پیامبر(ص) شنید.

بدون طرح نیاز خود به منزل برگشت ولی این بار با خودش فکر کرد که من چه کاری می‌توانم بکنم. به نظرش رسید که به صحرا برود و هیزمی را جمع کند و بفروشد. رفت و تیشه ای را عاریه گرفت و به صحرا رفت. هیزمی جمع کرد و به بازار آورد و آن را فروخت و مایحتاج زندگی خود را تامین کرد. به مرور زمان صاحب سرمایه و ثروت شد. روزی رسول خدا(ص) به او رسید و با لبخند و تبسم فرمودند: «نگفتم هر کس بی نیازی بوزد خداوند او را بی نیاز می‌کند.» می‌فرمودند: اینکه یکی از شما ریسمان خویش برگیرد و به کوه و صحرا برود هیزم فراهم آورد و بفروشد و از درآمد خود بخورد و صدقه دهد برای او بهتر است از اینکه تکدی و گدایی کند و از مردم چیزی بخواهد.

روزی پیامبر با اصحاب بودند که جوان توانا و نیرومندی را دیدند که اول صبح به کار و تلاش مشغول بود. اصحاب گفتند اگر این جوان نیرو و توان خود را در راه خدا به کار می‌برد قابل تمجید و ستایش بود. رسول خدا(ص) معترض شدند و فرمودند این سخن را نگویند، اگر این جوان برای معاش خود کار می‌کند که در زندگی محتاج دیگران نباشد و از مردم، مستغنی گردد، او با این عمل در راه خدا قدم برمی‌دارد. همچنین اگر کارش برای والدین پیر و کودکان خودش است تا از مردم بی نیازشان سازد باز هم به راه خدا می‌رود ولی اگر کار می‌کند تا با درآمد خود به تهیدستان فخر بوزد و فقط برای کسب ثروت و خودنمایی باشد او به راه شیطان رفته و از صراط حق منحرف شده است. پیامبر(ص) وقت خود را به سه قسمت تقسیم می‌فرمودند؛ ۱ قسمتی را برای عبادت خدا ۲ قسمتی را برای استراحت و خانواده ۳ قسمتی را برای کار. جمعی از اصحاب آن حضرت وقتی آیه ۲ سوره طلاق را از پیامبر شنیدند که: «هر کس تقوی و پرهیزگاری پیشه کند خدا دری به روی او می‌گشاید و روزی او را از جایی که گمان نداشته باشد می‌رساند.» دست از کار و کوشش برداشتند و در به روی خود بستند و به عبادت پرداختند و با خود گفتند دیگر احتیاجی به کسب و کار نداریم، رسول خدا(ص) از عمل آنها اطلاع یافت و به احضار آنان مبادرت ورزید. چون حاضر شدند، فرمود: چرا از کار و تلاش دست کشیده و تنها به عبادت اکتفا کرده اید؟ گفتند: خداوند ضامن شده روزی ما را بدهد، ما هم از کار صرف نظر کردیم و به عبادت پرداختیم. رسول خدا آنها را توبیخ و سرزنش کرده و فرمود هر کس چنین روشی در پیش گیرد و از فعالیت و کار شانه خالی کند دعایش مستجاب نخواهد شد. بر شما لازم است کار کنید و روزی خود را در سایه تلاش و کوشش با استمداد از ذات لایزال خداوند به دست آورید و در بیانی دیگر فرمودند: «ان اطیب ما اکل الرجل من کسبه» □